بسم الله الرحمن الرحیم

**آقای آبفروش**

عرض خیر مقدم مجدد به ویژه از ظهر به بعد به جمع ما پیوستند خسته نباشید خدا قوت، طبق پیش بینی که داشتیم به هر حال همایش به نیمه نرسیده آثار خستگی راه طولانی که عزیزان از شهرها و مناطق مختلف آمده اند قاعدتا در چهره ها پدیدار است ولی خب همانجور که در همایش قبلی هم حالا عزیزانی که بودند تجربه کردند می فرماید چاره ای نداشتیم جز این که بخواهیم جهت استفاده حداکثری دوستان برنامه فشرده ای را امروز داشته باشیم و امیدوار بودیم که حالا دوستان و هستیم که دوستان به آمادگی کامل جهت حداکثر استفاده از این یک روز و نیم برنامه حضور پیدا کنند، همانجور هم که دوستمان هم عرض کردند بخش عمده این بساط برپا شده بر این بود که یک سری حرفها و اتفاقات کاربردی و اجرایی که ما در حوزه کاری و عملیاتی مشعر داریم و در طول سال هیئت ها علی الخصوص مدیران هیئت هایی که الآن تشریف آورده اید درگیر این ماجرا هم هستید تماس می گیرید با دوستان ما ارتباط می گیرید و ما خیلی وقت ها وعده دادیم که ان شاء الله می بینیمتان حضوری مفصل توضیح می دهیم همه اینها بهانه است که این اتفاق به خوبی شکل بگیرد. من چند تا نکته را عرض کنم خدمت عزیزان، اولا که باز هم لازم است که درباره اصل جامعه ایمانی مشعر توضیح را عرض کنم اصل این جمع شدن های ما این دور هم گرد آمدن دوستان هرچه بیشتر در این شرائط کنونی اتفاق بیفتد قطعا ضرر نکردیم ولو به چای خوردنی از 31 استان عزیزانی که هرکدام فرماندهی یک خط و جناح و بخش و سنگر را اقلّا در شهر و دیار خودشان به دست دارند جمع شده اند عزیزانی که بی ادبی است بنده در حضورشان صحبت کنم از نماینده ولی فقیه در شهرستان داریم تا امام جمعه شهرستان تا نماینده مجلس دیروز و سردار فرهنگی امروز تا عزیزانی که هرکدام به نوبه خودشان فرمانده و لیدری هستند در بخش خودشان، بنای ما این بود که در آستانه فاطمیه با اجتماع هیئت های محوری و تاثیر گذار شهرستانها در کنار هم آماده بشویم تا فاطمه بهتری را رقم بزنیم، فاطمیه امسال این که شرائط خاص و حساسی هم دارد، فاطمیه ای که تلاقی دارد با نوروز، اولین فاطمیه ای که در این دولت داریم سپری می کنیم اولین فاطمیه ای که یکی دو ماه قبلش با آمریکا پای مذاکره رفتیم، فاطمیه ای که ما می توانیم نقش حیاتی در رساندن پیام فاطمیه به مردم دیار خودمان به مخاطبین هیئتمان ایفا بکنیم، دوستان جمع شده اند امروز که علاوه براین که با این ارتباط و اتصال و این دیدار ها و اینها صمیمیت بیشتری بین اعضاء و اجزاء جبهه فرهنگی انقلاب ایجاد بشود هرچه به هم نزدیکتر بشویم دغدغه هایمان را به اشتراک بگذاریم آمادگی هم پیدا کنیم رزمایشی است قبل از عملیات قبل از رزم رزمایشی داریم، مشابه همین جلسه را همین جریانهایی را که صبح حاج آقای محرابی داشتند خدمت دوستان تشریح می کردند زودتر از ما برگذار کردند، امساب بسته فرهنگی این جریان در ایام نهم ربیع به روستاهای ما رسید در نه ربیع به روستا، بسته فاطمیه شان، روستای هجین هشتاد کیلومتری قزوین خودم رفتم داخل مسجد روستایی که کل روستا را محرومیت گرفته یعنی اگر کمیته امداد بخواهد بیاید خانواری را آنجا تحت پوشش قرار بدهد کل روستا از دم تحت پوشش کمیته امداداند، داخل مسجدشان پرچم های این جریان خورده بود پرچم ها فاطمیه این جریان، ما که بسته غدیر را داشتیم ارسال می کردیم برای هیئت ها همزمان با بسته ما ازترمینال قم یک بسته دیگر هم داشت به هیئت ها ارسال می شد همزمان با هم داشت ارسال می شد، بسته غدیری بود که از همین ناحیه تهیه شده بود، هرچه جلو می رویم رزم تنگاتنگ تر دارد می شود، من خدمت دوستان مشهد بودم در این فاصله ای که دوستان ناهار می خوردند استراحت می کردند عرض کردم ولی در همین یکی دو سال اخیر در دو سه سالی که گذشته تعداد شبکه های فارسی زبان معاند ببین چقدر اضافه شده، بعد از همین جریان فتنه ای که پیش آمد در این سالها ببین چقدر جهش پیدا کرده، دوستانی که امسال اربعین کربلا بودند شدت جریان همین شیرازی ها اصلا قابل مقایسه با سال قبلش نبود دیگر تیری نبود از همین تیرهایی که ما به این سمت می شماریم و می رویم که کنارش یکی از شمایل های این آقا آویزان نباشد، در اتوبان ها و خیابان های ایران تردد کردید برای رسیدن به مرز و عبور و ورود و اینها دو تا تبلیغات رو همه بیلبوردهای عراق بود یا تبلیغات انواع سیگار های خارجی یا تبلیغ همین عزیزی که حالا اسم مرجعیت را هم یدک می کشد، این نبرد دارد سنگین می شود و ما عقب نمانیم، جا نمانیم عزیزان، خیلی وقت ها ما نردبان می شویم پلکان می شویم یک عده می روند زمان جنگ هم همینجوری بود بزرگترهایی که هستند باید بیایند بگویند دکتر هدایت خواه باید بیاید بگوید حاج آقای دالانی باید بیایند بگویند عزیزانی که پیشکسوت هستند باید بیایند بگویند، ما یک دفعه در این نبرد نرم جا نمانیم یک بساطی بپا می شود یک غوغای محشری بپا می شود این وسط یک عده ای راه را پیدا می کنند می روند ما مأمور تجهیز که آمدیم وسط آمدیم اینقدری کار بکنیم که شب اول قبر محکم بگوییم خدایا دیگر کار بیشتری از دست ما بر نمی آمد رسیدی به این نقطه امام زمان ما ظهور کرده، امام زمان بیاید از ما چه می خواهد کجاست سه باب ظهور کجاست آن سیصد و سیزده مرد جنگی، خب بیایید همین جا با هم هم عهد بشویم هم پیمان بشویم جواب جمکران شب جمعه بگوییم آقا ما سیصد و سیزده تا از دل ما می خواهد بیاید بیرون، پانصد تا مدیر هیئت های برجسته محوری تاثیرگذار کشور دور هم جمع شدیم کجاست سیصد و سیزده تا مرد، در؟؟ ها یک بنر زده اند گفته اند که آقا حکومت مهدوی چی لازم دارد قانون الهی است حاکم الهی است کجاست مقبولیت آن افرادی که ضمینه سازو بسترساز این ماجرا شوند، امتحانمان را داریم خوب پس می دهیم، می آیند دوستان گلایه می کنند ایراد می کنند و بعد این آدم خوب می شود می ریزد در خودش پایین بعدش هم اتفاقاتی که افتاده، می گویند اگر حضرت آقا می خواست خودش می گفت دیگر ما زندگیمان را بکنیم بگذارید همه چیز به حال خود من چرا بجنگم من چرا بیدار باشم من هم بگذار آروم باشم، در این شرائط که قرار می گیریم حضرت آقا حکمت و تدبیر و مصلحت این ماجرا این است که برمبنای پذیرش عمومی که من و شما متولی ایجادش هستیم حرکت می کنند تدبیر می کنند قرار نیست آقا خارج از آن فضایی که فراهم، اگر من لبیک بگویم این اتفاق افتاده اگر این اتفاق نیفتد یکدفعه می بینید اصلا آن راهبردهایی که آقا دارند مشخص می کنند همه اش تغییر می کند خیلی راحت، ما هستیم که داریم جام زهر خیلی چیزها را به حضرت اقا می نوشانیم حالا امام زمان می خواهد با ما بیاید چه کند، ما این بستر را فراهم کردیم ما پیام انقلاب را در هیئت های خودمان منتقل کردیم آقا پول نیست آقا آقا آقا آقا بیا، عزیزی گفت سؤال کنیم ای رهبر آماده، آزاده ایم آزاده، این شاید حق مطلب باشد البته این دور از این جمع است این جمع خیلی از عزیزانی که می شناسیم شبانه روز دارند می دوند ولی چقدر توانسته ایم بجای این که ما خودمان خودمان با خودمان تنها و تنها بخواهیم در این مسیر حرکت کنیم چقدر دست دادیم به هم چقدر این عضو را ایجاد کردیم البته اتفاقاتی دارد می افتد اتفاقات خوبی دارد می افتد همین که این دوستان این چهره های نورانی دور هم جمع شده اند بعضی از دوستان من چهره هایشان را در همین حالا واتساپی که حاج مهدی آقا گفت دیده بودیم اینجا که از نزدیک می دیدیم ناخودآگاه انگار سالیان سال بود که همدیگر را می شناسیم یکی از یک شهرستانی از آن ور کشور یکی از آن ور یکی از این ور صبح گفتم اندک اندک این جمع مستان می رسد ما هم داریم جمع می شویم ولی حواسمان باشد سرعت این اتفاقات در جبهه باطل به همین شکل دارد می رود جلو، جبهه حق عقب نماند از جبهه باطل، حرکت ما چه اتفاقی می خواهد بیفتد سرعت حرکتی که در جبهه مقابل است را ببینید، در این بسته ای که ما خدمت رابطین محترم دیروز خدمتشان دادیم شش تا ماده هم از این لشگر آسمان دشمن در همایش قبل وعده اش را دادم به شما در همایش قبل دوستانی که بودند عرض کردم گفتم از اول عید ما منتظر بودیم پنج ماه عقب افتاد، پنج ماه عقب افتاد قرار بود اولین روزنامه 32 صفحه ای کشور منتشر شد، اسمش قرار بود اقبال باشد مجوز به اقبال ندادند آسمان درآمد، شش روز تمام درآمد، از شماره اولش را بچه گرفتند تحقیق کردند آنالیزش کردیم 32 صفحه روزانه داشتند در می آورند 32 صفحه یعنی یک مجله تام و تمام 32 صفحه رحلی پشت و رو کامل هر روز، شناسنامه اش را پشتش نگاه بکنید صفحه آخر شناسنامه اش را که نگاه می کنید لشگری را ریخته وسط، ما در کل کشورمان چند تا قلم به دست چند تا هیئتی قلم به دست داریم، سلاح امروز بچه های ما کجاست، چند تا می توانیم گزارشمان را خوب بیان بکنیم خوب مکتوبش بکنیم خوب دفاع بکنیم یک اتفاقی که در شهرمان در شهرستانمان استانمان می افتد چندتایمان می توانیم بیاییم قلم به دست سردار این جبهه باشیم بایستیم پای ماجرا، چند و چقدر برنامه داریم برای تربیت گردانها و یگانهای رسانه ای هیئت مگر جنگ جنگ نرم نیست چندتایمان مسلح شدیم به این ابزار جنگ نرم، چند تایمان آمدیم در فرآیند تربیت نیرو، عزیزان من برادران من مشکل اول جمهوری اسلامی در عرصه جبهه فرهنگی کار فرهنگی نیرو است کسی شک دارد در این اصل اساسی، هزار هزار پول هم باشد نیرو نباشد هیچ کاری نمی شود کرد مشکل حتی می خواهم بگویم ایراد نرم افزار کار هم نیست، نیروی جگر دار و جنم داری که بیاید وسط استین بالا بزند باستید وسط میدان، کجاست کجایند، برنامه ما چیست برای تربیت، رفتیم دنبال کمیت های مختلف کمیت کجاست این را هم قبول دارم که همیشه یک کیفیت بالا از لای یک کمیت خوب عبور می کند این قبول ولی آنقدری که دنبال سیاهی لشگر هیئت هستیم دنبال جمعیت هیئت هستیم فلان مداح چهره بیاید فلان سخنران چهره بیاید، دنبال درد بچه های هیئت که در یک فرآیند انسانی این بچه تربیت بشود اگر قرار باشد هیئت کارگاه انسان سازی باشد برنامه ما برای این اتفاق کجاست چیه و اگر ما حواسمان به این ماجرا نباشد مثل خوره همه وجود جبهه فرهنگی انقلاب را می گیرد این ماجرا کجاست نسل حضرت روح الله، کجایند سلمان ها، یکی گفت که حضرت امام شاگر عرفانی تربیت نکرده گفتم خیلی بی انصافی می کنی گفت کجاست گفت بگو معروفهایشان کدام هاست گفتم شاگردهای عرفان امام وسط صحنه رزم سرتاسر خط مقدم جبهه را پر کرده بودند، شاگردهای عرفان امام را شهید بهشتی شناخت که به عرفا بگویید قله عرفان بازی دراز است، وسط این ماجرای حالا جنگ نرم قله های عرفان ما کجایند سردارهایش کجایند برنامه مان برای تربیتشان چیست بعد اگر ما بخواهیم گیر بحث های بودجه ای و، نگاه کنید وظیفه است ما هم وظیفه داریم پیگری کنیم حاجی هم صبح گفتند افتخار نهادهای دولتی و هرجا و هرجا که به دستگاه سید الشهداء کمکی بکند اگر با این نیت به هیئت کمک می کند او منتی برهیئت ندارد هیئت منت بر او دارد سید الشهداء منت بر او دارد افتخار پیدا کرده ریالی از اموالش خرج این راه شده در این هم شکی نیست باید هم بدویم دنبالش هم باشیم هراقدامی هم که می توانیم بکنیم ولی واقعیت غیرآن را هم ببینیم، یک وضعیت عرض می کنم که چون درگیریم صحبت های که ممکن است حالا بینابینمان بشود این کمیسیون ها را هم به پیشنهاد عزیزان در جلسه قبل برقرار کردیم پنج تا هم دفاع بودن که می شد تعداد کمیسیون ها را زیاد کردیم که عزیزان بیایند حرفهایشان را آنجا بزنند و قطعا خواهیم شنید ولی این را من عرض کنم، بنا اول یکی از دوستان این را آنالیز می کرد جلسه قبل هم در هیئت همین را در جلسه ای که بود عرض کردم واقعیت غیرآن قضیه را ببینیم مقایسه نکنیم بگوییم اگر جریان مخالف جریان معاند اینگونه دارد هزینه می کند و ما نداریم و نمی توانیم پس، خب پسی ندارد یا کرکره را باید بکشید پایین ببین مثل خیلی از هم رده ای هایمان خیلی از قبلی هایمان ما هم برویم دنبال زندگی رویایی مان ما هم برویم سراغ زنمان برویم سراغ خانه مان دنبال کارمان، پنج شنبه جمعه کدام دیوانه ای بلند می شود هزارو چهارصد کیلومتر بکوبد از زاهدان با پول خودش سوار قطار بشود بیاید یک روز و نیم بنشیند اینجا چه که بکند شب جمعه است جمعه تعطیل کجا مگر دیوانه ای آره ما دیوانه ایم ما دیوانه اباعبد الله هستیم اگر نبودیم ولی آمده ایم پای این کار بایستیم تا آخرش اگر قرار است وسط راه ببریم همین الان همین جا می توانیم جمع شویم برگردیم راهت را با این شرائط موجود باید برویم جلو، دوستان گفتند پول نباشد، پول نباشد خیلی کارهارا هم می شود کرد قبول دارم پول ضرورت دارد ولی هیچوقت برای ما اصل نباید باشد هیچوقت اصل نبوده و نیست، من این را باز هم اجازه می خواهم ممکن است برای بعضی از دوستان تکراری و ملال آور باشد ولی یاد آوری می کنم یک دو دوتا چهار تا است، این دو دوتا چهارتا این است که ما الان با پنج هزار تا هیئت ارتباط داریم این بسته ها دارد برای پنج هزار تا هیئت ارسال می شود حالا نقص هایی ممکن است داشته باشد در فرآیند توزیعش شما هم کمکمان کنید بیاید پای کارش ما از اینجا که ارسال می کنیم ممکن است در شهرستان آن بابایی که دارد می دود دنبال این ماجرا من دیگر نمی توانم آنجا هم پی آن باشم همه ما باید یک خود نظارتی بجا داشته باشیم خودمان باید خودمان را ترمیم کنیم کمک کنیم پروبال بگیریم بیاییم بالا، این پنج هزار تا مخرجش چند است رفقا مخرج این هیئت هایی که داریم آن چیزی که در سازمان تبلیغات ثبت شده هشتادوشش هزارو خرده ای هیئت است که خیلی از همین هیئات که اینجا هستید ثبت سازمان تبلیغات نیستید هستید خیلی هایشان که می دانم نیستید آنهایی که تازه ثبت اند تازه هشتادو شش هزارو سیصدو خرده ای هیئت است این شده مطلب کسی که ما از او پنج هزار تا را گلچین کردیم ملاکهایی را داشته از آن پنج هزار تا حدود پانصدتایشان را در این همایش خدمتشان بودیم، ما هی بیاییم یک کمک حد اقلی این نمک حاشیه است همین حرفهایی که می زنیم عرضم این است که این را در حوزه نگاهتان یک مقدار فراتر کنید بیایید از آن برج دیدبانی حسن باقری برویم بالا دوربین دو چشمی را بگذارید و از آن جا افق حرکت را نگاه کنید، این پنج هزار تا هیئت بخواهند یک اتفاقی در هیئت بیفتد ولو موقت همین یک حرکتی جنب و جوشی چقدر باید به او کمک بکنیم که این حرکت اتفاق بیفتد حالا همین مثلا ده تومن خوب است رفقا بعد از هیئت بیایید از پنج هزار تا ده تومن بهشان بدهیم موافقید ده تومن، آقا مصوب شد در مجمع عمومی مشعر مصوب شد، می شود چند تومن جمع بشود پنجاه میلیارد تومن، پنجاه میلیارد تومن، نداریم که، حالا آرزو بر جوانان که عیب نیست باید چکارش بکنیم، بگویید یک تومن خوب است به هم می خورد به خیلی از هیئت ها که یک تومن راکه بدهی یارو می ریزد بیرون اشکال ندارد نه بجایش برای خیلی ها نیازهای متوسط یک تومن است می شود چقدر پنج میلیارد تومن، خب این بودجه از کجا بیاد باید بریم مطالبه بکنیم پیگیری بکنیم دنبالش برویم هیچ اشکالی هیچ شکی در آن نیست ولی شرائطی که در آن هستیم در موقعیتی که هستیم این رقم را عرض کردم خدمت دوستان ممکن است در یک ساعت هزینه بشود یک ساعت کار یک ساعت دو ساعت است رقم شبهای همین پنج هزار تا هیئت است پیغام به بانک دو ساعت بعدش پیامکش هم پشت سر هم می رسد به هیئت ها که آقا پول واریز شد انتفاع می کند پنج میلیارد تومن از بودجه بیت المال می رود اتفاقی هم نمی افتد ولی وظیفه است باید برویم دنبال راهکارش هم باید باشیم شما هم باید باشید کمک بکنید تجربه و پیشنهادی داشتید برسانید بحثی نیست بعد تازه این در یک نوبت بشود در فاطمیه بقیه سال چی مناسبتهای دیگر چی محرم صفر ربیع شبهای قدر نیمه شعبان بقیه اش چی فلذا هیئت از ابتدایش ذات هیئت مبتنی بر این بوده که حرار آزادانه خود اتکا باشد مشعر هم بر همین قامت استوار است برای من مشعر چیست اصلا مشعر چیزی نیست عزیزان من رفقا دوستان الان که شما دور هم جمع شدید این شده جامعه ایمانی مشعر جامعه ایمانی که پیر قدم ها و جوان ترها و تازه نفس ها و بزرگتر ها دور هم جمع شده اند به عشق سیدالشهداء، جامعه ای که این وسط نه مرزهای جغرافیایی هر کسی را مشخص می کنند نه لهجه ها نه گویش ها نه رنگ پوست و چهره و نه هیچ چیز دیگری جز حب اباعبد الله جز ولایت، در این نگاه اگر شما دور هم نباشید مشعری هم نیست مشعری دیگر وجود ندارد مشعر این است حالا باید همه مان کمک بکنیم ما هم وظیفه داریم من به عنوان خادم خادمین هیئت به عنوان نوکر شما ما وظیفه عربده هایمان را هم کشیده ام دنبالش هم رفتیم باز هم می رویم ولی اگر بخواهیم خود اتکا باشیم در همایش قبل هم عرض کردم با این فرض بریم جلو، فرض بفرمائید هیچ همایت پشتیبانی و کمکی نیست دغدغه این را باید بیاوریم پشتیبانی ما سید الشهداء است حالا به این فضا آمده ایم جلو، ما می توانیم خود همین اعتباری است قدرتی است هیئت های یک استان اگر خوب دور هم جمع بشوند اگر رابط خالص و خُلَّصی بایستد پای ایوان این ماجرا یکی حاضر شود از شأنش کوتاه بیاید یکی حاضر شود یک جاهایی آبرویش را زیر پا بگذارد بایستد پای این ماجرا بایستد پای این ماجرا دغدغه این را داشته باشد رابطی که دغدغه این را داشته باشد یعنی هرشب در یک هیئت است یعنی همه هیئت های آن شهر می شناسند اورا یعنی درد هیئت های شهر را می داند از نزدیک چشیده و لمس کرده و اگر اینگونه نیست فعلا باید تحملش کنید باید تحملش کنید خودش باید خودش را تحمل بکند، آن رابطی که طبیب و دوار به طب شده دارد سرگیجه، بچه چه می خواهند از یک رابط خوب این که به آنها سر بزند مشکلات هیئتشان را بداند باید اینها حالا باهم ارتباط بگیرند حالا این رابط خوب از بچه های هیئت ها مدیرهای هیئت ها چه می خواهد که بیایند کمکش بکنند یک نفری چه کسی می تواند کاری انجام بدهد همه بیایند کمک، این که در فیلم اول جلسه هم دیدی مستندی که حالا گزارشی که از جلسات ما مشعر نمائیم ما مجمع نمائیم منظورمان این است تا آن مشعر واقعی شکل بگیرد تا آن جامعه ایمانی حقیقی تحقق پیدا بکند راه درازی داریم باید همه کمک بکنیم این کمک کردن این مدد رساندن این همایت عزیزان من باور بفرمایید یک صبر تشکیلاتی می خواهد، آخر الزمان می دانید در روایت هایش است دیگر پیامبر ما دیگر نگفتند پیامبر آخرالزمان هزارو چهارصد سال است در ادبیات دینی و اسلامی ما ادبیات ادبیات آخرالزمانی است و حضرت توصیه کرده بودند که در آخرالزمان این سنت بوده بین اصحاب پیامبر و رایج بوده به هم که می رسیدند سوره عصر می خواندند، همدیگر را توصیه می کردند به صبر، تقوای تشکیلاتی لازمه اش صبر است لازمه اش سینه های فراخ است ما چقدر خودمان را آماده کردیم برای این ماجرا چقدر از انرژی مبارک هیئت های شور و علاقه و احساس هیئت ها چقدر آن دارد صرف رقابت های کور می شود در شهر ما، این شهر با آن شهر، این هیئت با آن هیئت این یکی با آن یکی این مداح با آن مداح این منبری با آن منبری، چون دشمن را ندیدیم چون ارتفاع بیکار شناسایی مان پایین بوده یک چند تا پله باید نترسیم برویم بالاتر از آن بالا نگاه بکنیم میدان جنگ را، هیچوقت در این حرکت و در این جدال منتظر هیچکس نباشید، همت و چمران تک تک شما هستید، در غرور تک تک شما سرداری سپاه سید الشهداء خوابیده باید آن سردار را از توی آن غرورتان زنده اش کنید بیدارش کنید سیلی می خواهد، این سحر می خواهد این را باید بیدارش بکنید، این را که پیاده اش کردی آنوقت تو می توانی در هیبت یکی از سرداران سید الشهداء بیایی وسط، منتظر چه کسی می خواهی بمانی، آبفروش او هشتش گرو نه خودش است حاج مهدی سلحشور حاج منصور ارضی، کی کی منتظر چه کسی می خواهی باشی منجی، تا تو نیایی او نمی آید منجی هم منتظر تو است سید الشهداء تکلیف را بر تک تک ما تمام کرده نعمتی که از انقلاب داریم بهره مند می شویم و در این شرائط کارزار ما کار را به جایی رساندیم، این رئیس جمهور بزرگوار ما آمد در انتهایش خیلی راستگو بود صادق گفت، گفت من آمده ام پنیر و گردو بیاورم سر سفره تان مگر نگفت آمد گفت چرخش چرخ سانتریفیوژ ها مهم است ولی چرخش زندگی شما از او مهمتر است ما رأی دادیم به همین ولی متناسب با رأی ما لبیک ما عمل خواهد کرد، مقدمه را ما فراهم کردیم و الان باید پای همین بایستی واستادی حالا در این شرائط کار به کجاها می خواهد بکشد چه شرائطی می خواهد رقم بخورد ادامه این ماجرا کجاست اگر قرار باشد با یک غبار آلود شدن فضا این قدر بهم بریزیم، عزیزان من خواهشی که ما از شما داریم به عنوان خادم شما خاک پای شما دست بوس شما هرچه که می خواهید بگویید همه شما تک به تک وظیفه حرکت در این ماجرا را دارید منتظر نباشید یکی دیگر علم را برپا کند دنبال او بدوید علم این ماجرا دست شماست، مدیرهای هیئت ها ظهور اگر بخواهد نزدیک باشد غرور شما ؟؟ ، آرزوی و دعای هیئت های ما باید آخر خدایا پرچم ظهور را از هیئت ما بده دست حضرت، رقابت هیئت هایمان سر این باشد چقدر سر این است آقا قرار است اگر شهیدی از آن شهدایی که در رکاب حضرت به خون خودشان بغلتن و فدا بشوند شهدای بیشتری از مسجد و هیئت من باشد، بعد از جنگ دیده بودید یک رقابتی در مسجدهایشان بود عکس های شهیدهایشان را بلند می کردند در هر مسجد می رفتی این مسجد را نگاه کن عکس های شهیدها را آن بالا زده سی تا شهید، مدرسه های عملیه در قم همایشی که الان یادواره شهداء می گذارند سر این عددهایشان به هم تفخر می کنند فخر می فروشند مباحات می کنند، یک یادواره سیصد شهید مدرسه فلان آن یکی می زند یادواره سیصدودو شهید آن یکی می زند یادواره پانصد شهید، شهرها الان به هم افتخار می کنند شهداء کار خودشان را کردند و رفتند بچاره ما، مایی که نبودیم مایی که ندیدیم مایی که ماندیم، ما چقدر خطرناک شدیم برای دشمن چقدر، آنقدر خطرناک شدیم که وجودمان دشمن راتهدید کند که دشمن ناچار شود به دست و پازدن بیفتد ناچار بشود این تهدید را بخواهد از سر راهش از جلوی پایش بردارد اصلا ما تهدید هستیم، نسبت ما با دشمنمان کجاست قد ما چقدر است این قد که بالا بیاید حضرت که می خواهد یارانش را انتخاب کند ها این قدش می خورد نگاه می کند برانداز می کند و برمی دارد، صبح که می خواهیم بزنیم بیرون چقدر در قامت این در آینه نگاه می کنیم آقا امروز شاید ما را بردارد این ماجرا را و این نگاه را رفقا عزیزان و دوستان تا همین الان تا بخواهیم چشم دلها را قم و تهران باشد قم و تهران بگویند در کار خودشان مانده اند که مانده اند، بچه هایی که از شهرستان ها روستاها شهرها ابادی های دور و نزدیک آمده اید چشم انتظار قم و تهران نباشید، یک مطالبه ای داریم ما یک وظیفه این اینجا خوابیده مطالبه مان را هم می کنیم ولی معطل نمی مانیم حرکت باید بکنیم باید برویم جلو، یکدفعه می روی می بینی یک عده ای بودند بعد همیشه خدارا شکر می کنم بخاطر نعمت همین چند سالی که از تاریخ اسلام برای ما گذاشت که تمام اتفاقات و ما وقعی که قرار است ما الان در انقلاب بچشیم در همان تاریخ کوتاه یکبار چشیده ایم یکبار مرور شده درس و عبرتش برای ما است یکدفعه یک سری می آیند با سابقه های السابقون السابقون جا می مانند شب عاشورا بعد یکدفعه ای یک نفر می آید که دورکعت نماز در کارنامه اش نیست موقع افتادن سرش به دامان اباعبد الله می شود، سهیل رومی می آید بلال حبشی می آید یار پیامبر می شود سلمان از فارس می آید بعد عموهای پیامبر می مانند باز هم به همین بسنده نمی کند می آییم جلوتر می بینیم یکی می شود جانباز سپاه امیر المؤمنین شمربن ذی الجوشن سر سینه نوه رسول الله می نشیند گوش تا گوش می برد یکی می شود طلحة الخیر یکی می شود زبیرسیف الاسلام هی درجه گرفته درجه در درجه از رسول الله می ماند، من و شما چه کنیم امروز نمانیم به کدام سمت به کدام سو، جنگ سخت یک خوبی داشت تیرو ترکش را می دیدی مرگ را جلوی چشممان را می دیدیم خود همین حسی که از مرگ پیدا می کردیم بیدارمان می کرد مرگ آگاهی شد هنر مردان جنگ هنر این شد که هنوز که هنوز است خیلی ها قبطه می خورند به آن روزگار در جنگ نرم به خلسه فرومی رویم شهوت زده می شویم دچار کسالت و رخوت و سستی می شویم فشارها را که می بینیم سختی ها را که می بینیم فشار روحی فلذا یک نفس بزرگی می خواهد این نفس باید تحمل کند این فشارها را یه این شغل و اعتنا نیستیم ما، ما که حالا ناچار شدیم بواسطه این جلسات و اینها هی رفت و آمدمان به این شهر گناهان کبیره زیاد می شود حالمان بهم می ریزد، همین چند روز پیش بود دوسه روز پیش بود از صبح که وارد تهران شدم تا غروبی که خارج شده اینقدر صحنه های مختلفی مواجه شدم از خودم بدم می آمد، ورودی صبح در آزادی که می خواستم بروم وارد مترو بشوم یک عزیزی کنار خیابان گفت کمکم می کنیم من هم خیلی ظالمانه مثل خیلی های دیگرمان که فکر می کنیم فقیری است کمکی خواست خواستم به سرعت رد شوم نگاه کردم چهره چهره گدا و فقیری نبود آمدم جلو گفتم چی گفت دستم را بگیر بلند بشم بلندش کردم نفسش در نمی آمد گفت صبح آمدم دم بقیة الله دکترم نبوده فکر می کردم دکتر را می بینم اسپری و قرص هایم را نیاوردم شیمیایی بود سخت گفت دارم برمی گردم از گرگان آمده بود، ازگرگان آمده بود تهران صبح آن روز صبح اشتباه نکنم یکشنبه دو شنبه بود گفت دارم برمی گردم شهریار گفته اند که دوباره فردا صبح این مسیر را بیایم و دیدم این چقدر غریب است در این جماعت تهران مردمانی که صبح دارند با سرعت می دوند برسند به دنیایشان زندگیشان بعد شما این صحنه ها را ندارید در شهرستانهایتان دود و دم این اوضاع، شما به اینها چه امیدی بسته اید، یک مقدار به خودمان نگاه کنیم یک مقدار به توانمندی های خودمان ایمان بیاوریم باور بکنیم و آماده بشویم برای این نبرد آخر الزمانی، رفقا یقین دارم برای این حقیر یقین است فتنه بعدی که نظام اسلامی دچارش خواهد شد در مقابل شما پرچم هیئتی بلند است اینبار اسلام در مقابل اسلام قرار می گیرد هیئت در مقابل هیئت قرار می گیرد هیئت در مقابل نظام اسلام قرار می گیرد این جریانی را که صبح آقای محرابی تحلیل کردند یک گوشه ای از ماجرا را توانستند تبیین کنند خیلی از جاها که قطع و وصل می کردند احتیاط می کردند و رعایت می کردند نمی توانستند کدها را رمز گشایی کنند ما برای این شرائط، برای این شرائط غبار آلود چقدر آماده ایم چه کردیم، جمله اقا مرتضی آوینی فعلا برای خود من هم خیلی عجیب بود و بعد ببینید این مرد این شاگرد روح الله چه بصیرتی پیدا کرده آقا مرتضایی که 72 رفته الان 92 است بیست سال گذشته این جمله اش برای قبل تر از این حرفها است آخرین مقاتله ما به مصابه سپاه عدالت نه با دموکراسی غرب که با اسلام آمریکایی است آخرین مقاتله ما به مصابه سپاه عدالت نه با اسلام نه با دموکراسی غرب که با اسلام آمریکایی است که اسلام آمریکایی از خود آمریکا دیرپاتر است که اسلام آمریکایی از خود آمریکا دیرپا تر است اگرچه این یکی نیز، اگرچه این یکی نیز ولو هزار ماه باشد به یک شب قدر فرو خواهد ریخت و حق پرستان و مستضعفان وارث زمین خواهند شد ان شاء الله من عرایضم را بخش اولش را اینجا ختم می کنم کوتاه عرایض دیگری را درباره بسته فاطمه خدمت دوستان خواهم گفت ان شاء الله خدمت جناب آقای محمد حسنی خواهیم بود برای تشریح شبکه تلوزیونی عصر که البته سر اسمش مخالفت هایی وجود دارد و می دانیم مدت هاست حالا این شبکه آماده شده و الان هم هنوز کارشکنی هایی می شود تا این شبکه بالا نیاید، توضیحات مفصل و کاملش را حاج آقای محمد حسنی خواهند گفت و این را من عرض کنم خیلی کمک نیاز دارند نیاز به کمک تک تک شما به کمک همه بچه هیئتی ها نیاز دارند اتفاق سختی است به قول حاج حسین اقا یکتا می گفت شما یک عورتتان برملا می شود دائم می خواهید برویم روی آنتن یعنی زیر ذره بین یعنی در شهرستانها اینها که تا الان ممکن بود نتوانند شما را بزنند حالا دیگر زیر ذره بین آنها هستید هر لحظه اش می توانند بزنند، آنوقت ما هنوز ما مبانی این ماجرا را حل نکردیم درست نکردیم هنوز خیلی از مقدمات کار فراهم نشده از موسیقی اش بگیرید تا حضور بازیگران زن بگیرید تا هزارتا اتفاق دیگر کار سخت و پر مشقتی است و مسیر پرموانعی است و همه باید کمک کنند تا این اتفاق به خوبی به سرانجام برسد، اما بسته فاطمیه، ببخشید من ناچارم حالا یک مقدار درواقع فشرده و تند تند عرض کنم پوزش می طلبم، برای این بسته های فاطمیه دوستان خیلی دارند برای این بسته های فرهنگی که دارد تقدیم می شود دوستان خیلی زحمت می کشند فکر می کنم بسته فاطمیه نقطه اوج بسته هایی باشد که دوستان تا الان آماده کرده اند زمزمه هایی هم که در جلسه در واقع به دوستان رسید و اعلام کردند آهسته و بلند که آقا به ما نرسید یا فرم هایش را داده اند هیچکدام نرسیده من پوزش می طلبم و معذرت خواهی می کنم ولی قاعدتا همان دوستان الان وقتی هشیار شدند و مطلع شدند بیایند پای کار و کمک کنند شاید آن رابط استانی محترم و عزیز به هر علتی نتوانسته با آن هیئت محترم ارتباط بگیرد، حسن ظن اینجا داشته باشیم به این که این مقدمه فراهم نشده از این پس دیگر شما ارتباط را بگیرید اشکال ندارد آن عزیز نیامد سراغ شما، شما بروید سراغ او، خواهشا بگوید این ارتباط برقرار بشود ما پنج هزار هیئت را داریم با بسته هایمان تحت پوشش قرار می دهیم، بسته ها هم با این هدف و نگاه است جهت ارتقای محتوایی و معرفتی ارکان هیئت یعنی برای هر هیئتی یک بسته می آید این بسته قرار است کمک بکند به ارکان هیئت یعنی مدیر، سخنران، مداح و شاعر هیئت به عنوان چهاررکن اصلی و برای مسئله گو، بانی، مسئول طراحی و گرافیک، مسئول سایت و سایبر و سایر بخش ها که ارکان فرعی هیئت حساب می شوند، برای تمام اینها سعی می کنیم در آن بسته خوراکی را تهیه کنیم، خواهش اول تک تک شما در تامین محصولات داخلی این بسته می توانید کمک کنید، مشعر صف نیست عمل کننده نیست ستاد است، وظیفه ما همانطور که برادر عزیزم آقای هدایت گفتند خدمت دوستان جمع آوری تولیدات و آثار ناب و فاخر شما است، شما به ما برسانید شما به ما بگویید ما این ها را تولید کردیم و البته توقع نداشته باشید که هرآنچه که به ما رساندید لزوما داخل یک بسته ای بالاخره محدودیتهایی دارد چند تا ما می توانیم محصول و تولید را داخل آن قرار بدهید حتما آن را هم قرار بدهید، این فرآیند را داریم انجام می دهیم، بسته ها عزیزان دل من تاریخ بردار نیست همین بسته فاطمیه که می آید هیچکدام از محصولات داخل بسته به جز مثلا یک بسته ای که متناسب با شرائط کنونی کشور تحویل داده می شود سایر محصولات بسته به هیچ وجه تاریخ بردار نیست قبول دارم اگر این بسته یک ماه دوماه زودتر از آن موعد مقرر دست دوستان برسد خیلی استفاده بیشتری می کنند ولی مشکلات ریزی در این قضیه وجود داشت که ما دیروز مفصل خدمت رابطان استانی مشعر عرض کردیم، آن دوستانی هم که به نمایندگی شما به ما منتقل کردند گرمی خود ما هم به آن واقف بودیم مثلا لحظه ای که بسته دارد ارسال می شود تاریخ را می بینم تاریخ بیاورد ارسال برود تا برسد به دست رابط استانی تا رابط پخش کند اینها را می دانم ولی مشکلاتی وجود دارد سر بسته عرض کنم که واقعا امکان وقوعی اش برای بچه ها وجود نداشته ولی کمک کنید ما هم همه تلاشمان را می کنیم قول می دهم همین الان که ما خدمت شما هستیم دوستان دیگری در ساختمان مشعر دارند بسته فاطمیه را تدارک می بینند همین دیشب و پریشب خواب درست نداشتم تا بسته فاطمیه را زودتر آماده بکنیم جمعش بکنیم و ارسال بکنیم برای دوستان در هیئت ها، واقعا خیلی جاها دستمان تنگ بوده خیلی جاها از محتوی و اینها شرائط، شرائط خاصی بوده، بسته فاطمیه ای که دارد خدمت دوستان می رسد برای بخش های مختلف هیئت اجزائی که بوده خوراکهای مختلفی را تدارک دیدیم، صلواتی ختم بفرمائید، ما در بسته فاطمیه امسال همچون بسته های گذشته محتوایی را برای مسئله گویی هیئت قرار دادیم، عزیزان من یکی از آفاتی که هیئت های ما دچار آن شده ضعف هیئت ها است در مراجعه احکام شرعیه، هیئت های ما از آن روزی به انحراف رفتند که خود اجتهاد شدند، مجتهد هیئت شد مثلا مداح هیئت، مدیر هیئت یا کس دیگری در آمد و از آن روزی این مشکل ایجاد شد که پای مسائل مسئله گویی ازهیئت بریده شده، در گذشته مسئله گو رکن بوده این را همایش قبل هم عرض کردم، یکی از بهترین کتابهایی که می شد در این بسته قرار داد قرار گرفته، این کتاب اصلا به فاطمیه محدود و محصور نیست، رساله مصور جلد یک با بررسی احکام و فتاوی حضرت آقا منتشر شد و در بسته شما قرار گرفته شاید فاخرترین ناب ترین و بهترین محتوایی که در بحث احکام شرعیه می شد آماده بشود و تقدیم بشود این کتاب بوده، جلد یک را در این بسته دادیم امیدواریم بعدی، بسته بعدی که هستیم اعتکاف شد در اعتکاف هم داریم بسته ای خدمت دوستان تقدیم می کنیم، در مدل خودش متفاوت است دیگر به هیئت ها نمی رسد و به آن ستادهای اعتکاف استانها خواهد رسید، بسته بعدی که ان شاء الله خواهد آمد جلد دو رساله مصور بود که ان شاء الله خدمت دوستان می دهیم، برای مداحان عزیز چند کتاب قرار داده شده ما در بحث شعر واقعا شرائط بغرنجی داشتیم اینجوری نبود یعنی رسیدن به یک کتاب شعر ناب که ناراحتی و صدای کسی این وسط درنیاید، این شاید ناراحت نشود خیلی کارها می شود، در این بسته های قبلی هم چند مرتبه تجربه کردیم فرایند کار را یکمقدار تغییر دادیم یک، کتاب خط عاشقی را در بسته ها قرار دادیم که درباره گریزهای شهدایی و مربوط به حضرت زهراء شهداست، تمام هم مستند با عکس شهید و اطلاعات شهید حاج حسین آقای کاجی زحمت این کتاب را کشیده اند درباره محرم و امام حسین شان را قبلا دیده بودیم این بخش فاطمی اش کمتر توزیع شده بود، حاج آقای میرزا محمدی از عزیزانی بود که ما قصد داشتیم دراین همایش از ایشان رونمایی بکنیم باز هم نگه داشتیم ان شاء الله در همایش بعدی، میرزا را قمی ها بهتر می شناسند تا شهرستانی ها، در قم معروف است به حاج منصور قم یعنی صدایش را که شما گوش می دهید می گوید حاجی کی خوانده این را جدید است بعد تصویر را که می بینید این که روحانی است می گوید نه ؟؟ صدا، از عزیزانی است که به صورت تخصصی در فضای مقتل و مرثیه کار کرده اند اهل مطالعه اهل علم، دوازده ساعت ما از ایشان ضبط کردیم دوازده ساعت فاطمیه گفته اند، از صفر تا صد ماجرای فاطمیه را حاج آقای میرزا محمدی را آورده ایم در یک استدیو نشانده ایم صحبت کرده و از او فیلم گرفتیم، این راه نقد ترین کاری که می شد در این بسته انجام بدهیم فیلمها را یک تدوین ابتدائی کردیم محتوی محتوای ویژه ای است این را در بسته فاطمیه داریم خدمت دوستان تقدیم می کنیم کتابی را هم در جنب این گذاشته ایم درسنامه فاطمی، این درسنامه فاطمیه بازهم تحت نظر خود ایشان به صورت مفصل تمام شبهات پیرامون ماجرای فاطمیه در آن آمده است، کتاب و سی دی دوتا محصول ناب و ویژه و استثنائی و منحصر بفرد و غیر قابل اشکال است، من تا مداح آمدم درس محتوای برای سخنران داریم برای مدیر هیئت داریم ویژه همایش داریم ویژه ماجرای هسته ای محتوایی را گذاشته ایم، یک محتوایی هم محتوای مشترکی بوده اینها را من از آن صرف نظر می کنم چون می خواهم هم نظم زمانی جلسه حفظ بشود هم بیشتر از حاج آقای محمد حسنی استفاده بکنیم، این را همینطور متوقف می کنم، فقط یک نکته ای درباره هم یکی از محصولات داخل بسته که مربوط به جلسه فردا هم می شود عرض کنم ما فردا در آخرین بخش جلسه رونمایی از کتاب ایران جوان بمان را خواهیم داشت استاد عباسی که از پژوهشگران مخلص حوزه هستند آن عزیزانی که از نزدیک زندگی حاج آقای عباسی غروی را دیده اند الان برنامه گلبرگ جای حاج آقای دهنوی ایشان حضور پیدا می کنند و در رادیو معارف و مباحث دیگر قم هم در جامعة الزهراء و هم مدرسه معصومیه دوستان ارتباط مستقلی با ایشان داشتند اولین کسی که لبیک گفت به فرمایش حضرت آقا و در موضوع جمعیت کاری انجام دادند ایشان بودند کتاب، ایران جوان بمان فردا رونمایی می شود و در بسته فاطمیه دوستان هم کتاب قرار گرفته در موضوع با بحث جمعیت و حالا نکات و شبهاتی که پیرامون جمعیت می گوید. ببخشید اطاله کلام کردم امیدوارم نشستها جلسات و دیدارها به همدلی و همراهی و هم افزایی بیشتر تک تک مخلصین و نوکران اباعبد الله منجر بشود،

دل بیمارو فقط از تو شفا می خواهد، شب جمعه است دلم کرب و بلا می خواهد.

صلواتی ختم کنید.